

نگاهی به چیستان‌های بختیاری

محسن فارسانی

دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه سوربن پاریس

چیستان واژه‌های مرکب از "چیست + آن" است که به آن لغز هم می‌گویند. لغز در عربی با ضم لام به معنی پیچیدگی است. پیچیدگی از آن سبب که شنونده کلام گوینده را به آسانی درک نکند، چرا که سخنش در پرده‌ای از کنایه، تشبیه و مانند آن مستتر باشد. همین امر باعث می‌شود مخاطب گاه در راه رسیدن به منظور و مفهوم حقیقی کلام دچار اشتباه و کج‌فهمی شود یا به عبارت دیگر، برای دستیابی به مفهوم و پاسخ درست کلام ناچار شود پیچ‌وخم‌های دشواری را بییماید. شمس قیس رازی گوید: "لغز آن است که معنی از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه بطریق سؤال پیرسند و از این جهت درخراسان آن را 'چیست آن' خوانند و این صنعت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبتی دارد و بحشو الفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود پسندیده باشد و تشحیذ خاطر را بشاید." دهخدا ذیل واژه لغز به نقل از صاحب کشف اصطلاحات الفنون چنین آورده است: "لغز با غین معجمه نزد بلغا کلامی است موزون که دلالت کند بر ذات شیئی از اشیاء به ذکر خواص و لوازم

محسن فارسانی دکترای علوم زبان‌شناسی دانشگاه سوربون پاریس ۳ و پژوهشگر پسادکتری مردم‌شناسی دانشگاه رنه دکارت پاریس است. تحقیقاتش بیشتر در زمینه مردم‌شناسی و قوم‌شناسی است. از جمله پژوهش‌های او تحقیق درباره نقوش و سمبل‌ها در مزارستان‌های قدیمی ایران و تحقیق درباره شیرهای سنگی، مویه‌ها، آداب و رسوم و میراث‌های معنوی بشری، بررسی ابیات حافظ، فرهنگ عامه و ترانه‌های محلی اقوام ایرانی است. برد شیر، مستندی درباره شیر در قبرستان‌های ایران، از آثار مستند اوست.

Mohsen Farsani <mofarsani@hotmail.fr>

ISSN 0892-4147-print/ISSN 2159-421X online/2013/29.1/122-144

آن شیء مشروط بر آنکه آن صفات به طور مجموع مخصوص بدان ذات باشد و در غیر آن در یک جا یافت نشود، هرچند هر یک از آنها در غیر آن هم موجود باشد به طریقی که ذهن مستقیم و طبع سلیم انتقال کند از آن کلام بر آن ذات و عجم آن را چیستان نامند. " لغز و چیستان بنا بر نظر وطواط در *حداثق السحر* معادل معماست.

هر چیستان انگار دو حیات دارد، حیات اول در تاریکی است و آن دوره‌ای است که چیستان هنوز در پرده‌ای از رمز و ابهام و ایهام پیچیده شده و هنوز کلید راهیابی به درون آن یافته نشده است. حیات دوم در روشنی است و آن هنگامی است که مخاطب پرده از راز و رمز و معنای آن بر می‌دارد و با یافتن کلید رمز آن به دنیای روشن آن راه می‌یابد. چیستان اساساً بنا شده است بر یک سوال و جواب. این کل ساختار هر چیستان را تشکیل می‌دهد؛ بخش اول پرسش و بخش دوم پاسخ.

نکته قابل توجه در برخورد با چیستان این است که با آنکه به زبان خیلی ساده، عامیانه و قابل فهم بیان می‌شود، پاسخ آن به همان اندازه پیچیده، دشوار و به سختی در دسترس است. این پارادوکس زیبا از ویژگی‌های بارز چیستان‌هاست، یعنی پرسشی ساده که جواب دادن به آن برای همه آسان نیست. دانستن زبان سمبل‌ها، کنایات و تشبیهات برای یافتن مفهوم چیستان لازم است، چرا که اغلب چیستان‌ها با زبانی پر از کنایه و تشبیه بیان می‌شوند.

اساس و پایه چیستان بر کنایه و تشبیه است. به‌ندرت چیستانی عاری از کنایه دیده می‌شود. به همین علت، چیستان‌ها گاه شعر و گاه به شعر بسیار نزدیک‌اند و می‌توان آنها را چون شعرگونه‌هایی عامیانه پذیرفت و بررسی کرد. ضرب‌المثل‌ها امتیازات و برجستگی‌های ادبی چیستان‌ها را ندارند. کنایه، تشبیه، تصویر و سایر آرایه‌های ادبی در ضرب‌المثل‌ها یک‌وجهی‌اند، یعنی هنگامی که به مفهوم کنایه پی برده شد، در حقیقت کار تمام است و معنی و پیام ضرب‌المثل روشن می‌شود. در چیستان اما این آرایه‌ها دووجهی‌اند، یعنی هنگامی که مفهوم کنایات و تصاویر روشن شد، مرحله بعدی یعنی رسیدن به مفهوم کل که همانا رسیدن به جواب چیستان است، آغاز می‌شود.

جولز چیستان و اسطوره را دو پدیده عکس هم در نظر گرفته است و چنین تعریف می‌کند که اسطوره به مثابه پرسشی است شامل پاسخ و چیستان پرسشی است که نیاز به پاسخ دارد. اگر چه در چیستان اغلب نشانه‌ها و ملزومات شعر وجود دارد، اما بعضی از آنها به سبب نداشتن زبان

1. André Jolles, *Einfache Formen* (Halle: Niemeyer, 1930), 129.

شعر عنوان و شناسنامه شعر دریافت نمی‌کنند.

چیستان‌ها با فلسفه و رموز و راه‌های پنهان حیات انسان رابطه تنگاتنگی دارند.

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟
به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم؟

به نظر من، این بیت حافظ هم معمایی است که انسان در عالم خاکی هنوز در صدد به دست آوردن جواب روشن آن است. در شعر کلاسیک فارسی و همچنین در اشعار عامیانه چیستان‌های فراوانی وجود دارد و از آن جمله است دو چیستان زیر از آندراج و رودکی:

آن چیست که خود ریسد و خود بافد جامه
خود جامه همی بافد او باشد عربان (عنکبوت)

آن چیست کز آن طبق همی تابد
چون ملحم زیر شعر عتایی
ساقش به صفت چو ساعد حورا
دستش به مثل چو پای مرغابی (ریواس)

یا این چیستان که پاسخ آن قیچی است و دهخدا آن را ذیل واژه لغز آورده است:

چیست کاندر دهان بی‌دندان
هر چه افتاد ریزریز کند
چون زدی در دو چشم او انگشت
در زمان هر دو گوش تیز کند

در اشعار کهن فارسی چیستان‌های فراوانی وجود دارد که البته موضوع بحث ما نیست. بحث ما چیستان‌های عامیانه است. این چیستان‌ها در اقصا نقاط ایران در میان اقشار گوناگون جامعه رایج‌اند. بسیاری از این چیستان‌ها به مرور زمان فراموش شده و بسیاری دیگر هنوز بر زبان مردم جاری‌اند، مانند این چیستان برای صورت انسان که در اقصا نقاط ایران به شکل‌های متفاوت رایج است:

پایین سنگ و بالا سنگ
بالا دو لوله تنگ

بالا دو سیب سرخ
بالا دو شمع روشن
بالا کمون رستم
بالا تخت سلیمون
بالا باغ دلجون

چیستان‌های قوم بختیاری

در این مقاله تعدادی از چیستان‌های منطقه میزدج و منطقه شوراب را بررسی می‌کنیم و تحقیق بیشتر در زمینه چیستان‌های مناطق دیگر بختیاری را به فرصت دیگری وامی‌گذاریم (شکل ۱).

بختیاری‌ها به چیستان چنه‌چنه čene-čene یا چنه‌چنه čen-čene می‌گویند که معادل چیه‌چیه در فارسی محاوره است.^۲ در برخی مناطق، مانند روستای علی‌آباد زری به چیستان چکه‌چکه čeke-čeke می‌گویند.

چنه‌چنه تا دس به تیاس نکنی، دهوون واز نیکنه؟

čene čene tâ das be tiâs nakoni, dohun vâz nikone?

آن چیست تا دست به چشمش فرو نکنی، دهان باز نمی‌کند؟

تاکنون چند بار ضرب‌المثل‌های بختیاری به صورت مجموعه‌های خام فاقد بررسی گردآوری و چاپ شده‌اند. چیستان‌ها نیز همین سرنوشت را داشته‌اند. عرضه مجموعه‌ای با عنوان چیستان‌های بختیاری بدون ذکر نام منطقه کار درستی نیست، چرا که بختیاری‌ها به دو شاخه هفت‌لنگ و چهارلنگ تقسیم می‌شوند و مردم هر منطقه با گویش متفاوتی تکلم می‌کنند. بنابراین، بررسی ادبیات شفاهی هر منطقه باید به صورت مجزا صورت گیرد. باید ادبیات شفاهی هر منطقه به صورتی مجزا جمع‌آوری و بررسی شود و اگر چیستان‌ها در مجموعه مشترکی گردآوری می‌شوند، باید برای هر چیستان شناسنامه مستقلی شامل نام منطقه و مشخصات راوی ذکر شود.

در ۱۹۰۶، لیوت فیلو تعدادی از چیستان‌های ایرانی را به نقل از دراویش جنوب ایران گردآوری کرد و در ژورنال *انجمن آسیاتک بنگال* به چاپ رساند که از جمله شامل این چیستان بود:

۲. در لری به آن شی‌یه یا شی‌یه‌شی‌یه می‌گویند.



شکل ۱

A strange thing I saw in this world:
 Water bubbling round fire.

که ترجمه آن می شود چیز عجیبی در این دنیا دیدم که آب دور آتش می جوشد. این چیستان هنوز با اندکی تفاوت در میان مردم رایج است.

عجایب صنعتی دیدم سر پل
 که آب از دور آتش می زند قل (سماور)

یا این چیستان که به همان زبان طرح می‌شود:

عجایب صنعتی دیدم سر پل
که آب از زیر آتش می‌زند قل (قلیان)

در ۱۹۱۰، اسکار مان هفت چیستان از چیستان‌های بختیاری را در مجموعه خود چاپ کرد؛ از جمله این چیستان را:

نه دست داره نه پا
سر ایکشه سی بالا.

نه دست دارد نه پا
سر می‌کشد به بالا (دود آتش)^۳

کار اسکار مان در حد گردآوری باقی می‌ماند و به بررسی و تحلیل علمی چیستان‌ها نمی‌پردازد. بعد از مان، نویسندگان و پژوهشگران ایرانی از جمله صادق هدایت، انجوی شیرازی و دیگران اهمیت جمع‌آوری چیستان‌ها را متذکر شدند، اما کارهای صورت‌گرفته در این زمینه هرگز از حد گردآوری فراتر نرفت. مجموعه‌های گردآوری و چاپ‌شده در این زمینه را گاه کسانی جز زبان‌شناسان و متخصصان فرهنگ عامیانه فراهم آوردند و اشکالات فراوانی دارند.

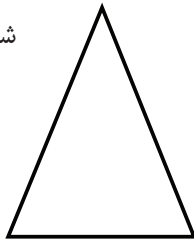
هرچند چیستان‌های بختیاری نیز مانند سایر چیستان‌ها به صورتی پراکنده در لابه‌لای کتاب‌ها یا مجلات گاه به چشم می‌خورند، ولی امروزه مردم با وسایل ارتباط جمعی، رایانه‌ها و تلفن‌های همراه خود را سرگرم می‌کنند و چیستان‌ها در حال فراموشی‌اند. با این همه، چیستان گفتن هنوز در میان روستاییان و عشایر و از جمله بختیاری‌ها متداول است.

پیش‌تر هر کسی نمی‌توانست طراح چیستان باشد، زیرا در بختیاری سلسله‌مراتبی در میان اقشار جامعه حاکم بود. در این تقسیم‌بندی به ترتیب ایلخان، خان، کل‌خدا، ریش‌سفید و بعد سایر اقشار جامعه قرار داشتند (شکل ۲) و جایگاه هر قشر در هرمی از بالا به پایین معین بود.^۴ در مجالس بزرگ، فقط خان طراح چیستان بود و اگر کسی در این جایگاه قرار می‌گرفت، نشانهٔ بضاعت مالی خوبش بود و به همین سبب، چنین کسی نزد عوام به سرفه‌کش (sorfe-kaš)، سرفه‌کش، معروف و از جایگاه سیاسی و اجتماعی خوبی برخوردار بود.

۴. اسکندر امان‌اللهی بهداروند، کوچ‌نشینی در ایران، پژوهشی درباره عشایر و ایلات (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰)، ۱۹۸.

3. Oskar Mann, *Kurdisch-Persische Forschungen* (Berlin: n.d., 1910), 169.

شکل ۲



- ← ایلخان
- ← خان
- ← کدخدا
- ← ریش سفید
- ← سایر اقشار جامعه

اما اکنون چیستان بیشتر از زبان ریش سفیدان شنیده می‌شود. بدین صورت که خانواده و فامیل دور هم جمع می‌شوند و بزرگ و ریش سفید خانواده که تجربه بیشتری دارد برای سایر اعضای خانواده چیستان طرح می‌کند و حاضران در جلسه باید جواب چیستان را حدس بزنند.

طرح چیستان هنگام بازی

طرح چیستان نه فقط در جلسات، بلکه در بین جوانان و هنگام اجرای نوعی بازی قدیمی با نام دردرختی (der der xati) صورت می‌گیرد. این بازی تقریباً فراموش شده است، اما هنوز بسیاری از بزرگان این بازی پرتحرک و مهیج را به خاطر دارند.

بازی به این شکل اجرا می‌شود که تعدادی از جوانان در جایی دور هم جمع می‌شوند و سرگروهی برای خودشان انتخاب می‌کنند. سرگروه کمربندی در دست دارد. بازیگران به نوبت، در حالی که در یک صف ایستاده‌اند، در مقابل سرگروه قرار می‌گیرند. سرگروه هر بار با صدای بلند مشخصات یک پرنده یا یک حیوان را به صورت شعرواره بر زبان می‌آورد. مثلاً می‌گوید پرنده‌ای است به این بزرگی، سرش این اندازه است، بالش این اندازه است، تخمش این اندازه است و خصوصیات دیگری را نیز می‌گوید و اندازه‌ها را با دست نشان می‌دهد.

از بین بازیگران یکی کمربند را در دست گرفته و مثلاً می‌گوید کلاغ. چون جواب اشتباه است، سرگروه می‌گوید که کمربند را به دست کلاغ بده. پس نوبت به دیگری می‌رسد و کمربند به بازیگر دیگری داده می‌شود. بازیگر بعدی مثلاً می‌گوید کبوتر و چون جواب اشتباه است، سرگروه می‌گوید کمربند را به دست کبوتر بسپار. پس کمربند در دست بازیگران می‌گردد تا کسی جواب درست بدهد و بگوید کبک. در اینجا سرگروه می‌گوید: کبک حمله کن. در این صورت، پاداش کبک این است که به شکار پرنده‌گان دیگر بپردازد. پس با کمربند به آنها حمله‌ور می‌شود و آنها را به شوخی می‌زند.

در این مدت سرگروه فریاد می‌زند “گندم، گندم، گندم” و این کلمه رمز و به معنی ادامه حمله و بازی است. کبک همچنان به دنبال دیگران می‌دود و آنها را می‌زند تا سرگروه بگوید “جو، جو، جو” و معنی آن توقف بازی است. پس بار دیگر همه دور هم جمع شده و سرگروه باز مشخصات حیوان یا پرنده دیگری را می‌گوید و بازی با طرح چیستان ادامه می‌یابد.

بی‌شک این بازی افراد را به اندیشه وامی‌دارد تا جواب درست معما را بیابند. مخاطب با ذهن خود کلنجار می‌رود، جواب‌های گوناگون یکی پس از دیگری در ذهنش نقش می‌بندد و طراح معما آنها را رد می‌کند تا بالاخره به جواب درست معما دست یابد. یابنده جواب و یافتن جواب درست نیز تشویق در پی دارد. گاهی طراح جایزه‌ای برای پاسخ صحیح در نظر می‌گیرد که این خود هیجان بیشتری برای یافتن جواب صحیح ایجاد می‌کند.

چیستان‌های طرح‌شده گاهی پیچیده و شعرگونه‌اند و حدس زدن آنها چندان ساده نیست، اما گاه کسانی چیستان‌هایی را قبلاً در چنین نشست‌هایی شنیده‌اند و در پاسخ شتاب می‌کنند. جواب اکثر چیستان‌ها یک کلمه است.

چیستان در قالب قصه عامیانه

چیستان‌ها همیشه کوتاه نیستند، بلکه چیستان‌هایی هستند که گوینده آن را در قالب قصه‌ای عامیانه بیان می‌کند؛ قصه‌ای که کامل نیست و به شکل معمایی پایان می‌پذیرد. در اینجا شنونده باید برای پایان بخشیدن به قصه معما را حل کند. مثلاً این قصه کوتاه که در آخر به معمایی ختم می‌شود و آن را از پیرمردی فارسانی شنیده‌ام:

جنس در مکان الف	نوع و جنس حرکت	جنس در مکان ب
گرگ / علف / میش	→ میش	∅
گرگ / علف	∅ ←	میش
علف	→ گرگ	میش / گرگ
علف / میش	میش ←	گرگ
میش	→ علف	گرگ / علف
میش	∅ ←	گرگ / علف
∅	→ میش	گرگ / علف / میش

مرد کشاورزی یک گرگ، یک میش و مقداری علف دارد که باید هر سه را با قایق خود از یک طرف رودخانه به طرف دیگر ببرد. او هر بار فقط می‌تواند یکی از آنها را با قایق حمل کند، اما نباید هر بار میش و گرگ یا میش و علف‌ها را با هم در یک طرف بگذارد، وگرنه همدیگر را می‌خورند. حال بگویید او به چه ترتیبی باید آنها را از رودخانه عبور دهد و در اولین بار کدام یک را به آن طرف رودخانه می‌برد؟

جواب این‌گونه است که در اولین حرکت میش را به آن طرف رودخانه می‌برد، پس گرگ و علف‌ها در یک طرف رودخانه قرار می‌گیرند و گرگ علف‌ها را نمی‌خورد. پس از قرار دادن میش در آن سوی رودخانه، برمی‌گردد و گرگ را نیز به طرف دیگر می‌برد. در این حالت، چون نمی‌تواند گرگ را با میش در یک سو رها کند، میش را دوباره به سوی دیگر رودخانه باز می‌گرداند و به جای آن علف‌ها را به سمت دیگر می‌برد. در اینجا برای آخرین بار برمی‌گردد تا میش را دوباره به آن سوی رودخانه بازگرداند. بنابراین، او در هفت حرکت این کار را انجام می‌دهد. جواب این معما را در شکل بالا نمایش داده‌ایم.

در قصه‌ها و متل‌های عامیانه، آنگاه که دیو قهرمان داستان را در چنگال خود اسیر می‌کند، برای رهایی او معمایی را مطرح می‌سازد و قهرمان داستان فقط با یافتن پاسخ درست معماست که می‌تواند از مرگ حتمی نجات یابد. این امر در ماجراهای سندباد به کرات اتفاق می‌افتد. سندباد گرفتار دیو می‌شود. دیو به سندباد قول می‌دهد در صورتی که جواب معمایش را بیابد او را خواهد بخشید و از مرگ حتمی نجات خواهد داد. سندباد در برخی از ماجراها برای دیو جوابی قابل قبول می‌یابد و بر دیو پیروز می‌شود. طرح معما در ماجراهای سندباد کودکان را به فکر فرو می‌برد و آنان نیز پایه‌پای سندباد در صدد یافتن جواب برمی‌آیند. در این حالت، طرح چنین پرسش‌هایی برای کودکان و حتی بزرگسالان جنبه آموزشی و تربیتی دارد.

معماها در داستان‌های هزارویک‌شب نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. چیستان‌های فراوانی در داستان‌های عامیانه اغلب از مردم ساده، باصفا و بی‌سواد شنیده می‌شوند. این داستان‌ها، که گاه درونمایه یکسانی دارند و فقط در شکل و طرح متفاوت‌اند، در اقصا نقاط ایران در میان روستاها و ایلات مختلف پراکنده‌اند.

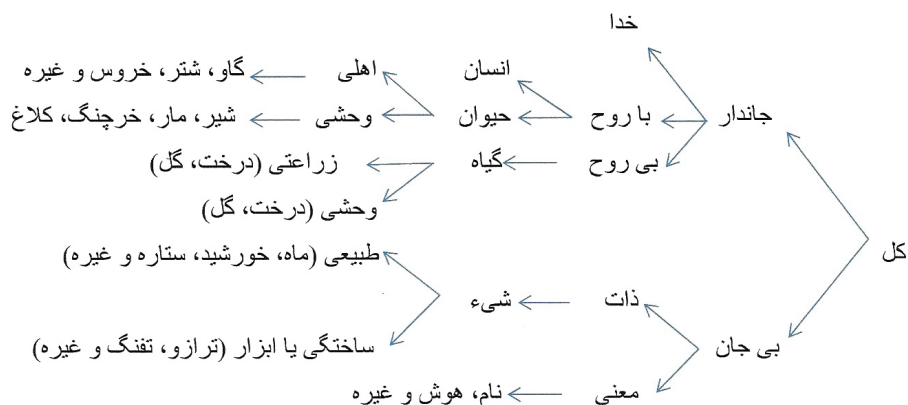
چیستان شاهزاده‌خانم از آن دسته چیستان‌های موزونی است که سیدعلی میرنیا بدین صورت آن را جمع‌آوری کرده است.

دختر شاهزاده‌ای در زمان قدیم چیستانی گفته و عهد کرده بود که هر کس جواب چیستان را بدهد، همسر او شود. چیستان این بود:

شنیدم گنبدی بر روی داری
 نه در دارد نه دیواری، حصاری
 بنازم قدرت پروردگاری
 در آن گنبد بود لشکر هزاری

از ولایات دور و نزدیک مردم برای دادن جواب چیستان هجوم آوردند، هیچ‌یک مورد قبول شاهزاده‌خانم واقع نشد. بالاخره، مرد لری از دیار بختیاری چیستان را جواب گفت و با شاهزاده‌خانم ازدواج کرد، جواب این بود:

بلی خانم که حرفت راست باشد
 برشتت از دم الماس باشد
 گمانم می‌رسد گویا من لر
 که این حرف شما خشخاش باشد



شکل ۳

درونمایهٔ چیستان‌ها

چیستان‌ها از چه سخن می‌گویند؟ پرسش چیست و پاسخ کدام است؟ چه مسایلی بیشتر در چیستان‌ها ذهن مردم را به خود مشغول می‌سازد؟ پیام و درس حاصل از چیستان چه می‌تواند باشد؟ اینها از جمله پرسشهایی‌اند است که در هنگام بررسی درونمایهٔ چیستان‌ها مطرح می‌شوند.

با بررسی صد چیستان تصادفی در منطقهٔ میزدج در استان چهارمحال و بختیاری معلوم می‌شود که بیشتر پاسخ‌ها موضوعات زیرند: سبزیجات و میوه‌ها ۲۴ مورد، مواد غذایی ۱۰ مورد، آسمان و اجرام آسمانی ۹ مورد، متفرقه ۹ مورد، اشیاء ۷ مورد، اثاث خانه ۷ مورد، پرند ۵ مورد، حیوانات اهلی ۳ مورد، حیوانات وحشی ۲ مورد، لوازم آشپزخانه ۴ مورد، اعضای بدن انسان ۶ مورد، لباس ۵ مورد، آتش ۲ مورد، حشره ۲ مورد، انسان ۲ مورد، خزنده ۱ مورد، خدا ۱ مورد. تقسیم‌بندی‌های متفاوت جواب چیستان‌ها در شکل ۳ آمده است.

جواب چیستان ممکن است جاندار یا بی‌جان باشد. خدا در تقسیم‌بندی جاندار و مافوق همهٔ هستی و کائنات قرار دارد. جاندار ممکن است مانند انسان یا حیوان دارای روح یا مانند گیاه فاقد روح باشد. جواب چیستان ممکن است نام حیوانی اهلی یا وحشی باشد. چیستان‌هایی که پاسخشان نام گیاه است، ممکن است گیاهان زراعی مانند انواع درختان، غلات و گل‌ها یا گیاهان وحشی را در بر گیرند.

در عین حال، پاسخ چیستان ممکن است بی‌جان باشد که به ذات و معنی تقسیم می‌شود. در این تقسیم‌بندی، شیء ممکن است طبیعی باشد مانند اجرام آسمانی، سنگ و خاک یا ساختهٔ دست بشر مانند ابزارآلات. همچنین، در بخش معنی می‌توان به نام، هوش، فکر و مانند اینها اشاره کرد.

ارزش ادبی چیستان‌ها

از نظر ادبی، چیستان‌ها از ضرب‌المثل‌ها، زبانزدها و گاه حتی از برخی فہلویات نیز مهم‌ترند. ویژگی اصلی برخی فہلویات زبان ساده و آهنگین آنهاست، در حالی که زبان چیستان‌ها سخت و غالباً پیچیده و مبهم است. یکی از ویژگی‌های مهم چیستان‌ها تشبیهات و کنایات به کاررفته در آنهاست. علاوه بر این، چیستان‌های هر قوم شامل واژه‌ها و زبانزدهایی است که مختص زبان آن قوم است. با جمع‌آوری چیستان‌ها می‌توان به واژه‌های در حال مرگ حیاتی دوباره بخشید یا حداقل آنها را ثبت کرد، کاری که محمد بشری در سال ۱۳۵۲ با فراهم آوردن مجموعه‌ای از ۱۳۴ چیستان مردم گیلان صورت داد. او برای هر چیستان آوانگاری لاتین آورد که برای ناآشنایان

به زبان گیلکی لازم است. همچنین، گاه شرح و توضیح واژه‌های منطقه را نیز آورده که از منظر زبان‌شناسی بسیار ارزشمند است.

وزن چستان‌ها نیز به صورت جدا قابل بررسی است. کلام موزن بهتر، ساده‌تر و سریع‌تر در ذهن انسان نقش می‌بندد و از این رو، چستان‌ها گاه به صورت شعری کوتاه مطرح می‌شوند و گاه به صورت کلامی آهنگین که از لحاظ ساختاری شعر نیستند، اما از لحاظ محتوا و آرایه‌های ادبی رنگ و بوی شعر می‌دهند. چستان‌های عرضه‌شده در شعر کلاسیک بیشتر در قالب تک‌بیت، دوبیتی یا رباعی سروده شده‌اند. چستان‌های موزون گاه با این عبارت آغاز می‌شوند: "عجایب صنعتی دیدم . . ." از جمله

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
که بی‌جانی پی جاندار ایگشت (گاواهن)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
که بی‌جون از پی چوندار ایگشت (تفنگ)

این دو چستان، و همه چستان‌هایی که با این لفظ آغاز می‌شوند، فارسی‌اند و فقط فعل گشتن در آخر آنها به بختیاری صرف شده است. چستان‌های عامیانه و فولکلوریک نیز به صورت شعرواره‌هایی گاه دارای وزن و قافیه و ردیف طرح می‌شوند که نمونه‌های بسیاری از آنها در دست است. حتی اگر قالب و وزن شعر چستانی هم کامل نباشد، غالباً گفتار موزون و منظوم است و حتی قافیه و موسیقی درونی دارد که به مخاطب کمک می‌کند چستان‌ها را راحت‌تر به خاطر بسپارد.

چنه‌چنه نه دس داره، نه پا خور ایبره همه‌جا؟

čene čene na das dâre na pâ, xavar ibare hame jâ?

چیست آنکه نه دست دارد و نه پا، خبر می‌برد همه‌جا؟

در برخی از چستان‌ها نیز تناقض‌گویی وجود دارد و چند حرف متفاوت در آن گنجانده می‌شود، مانند اینکه دو تصویر متفاوت را در یک قاب تماشا کنیم. مثلاً "چیست آن که هر چه بیشتر آن را بکشیم، کوتاه‌تر می‌شود؟" که پاسخ آن سیگار است. در واقع، در اصل معنای چستان تناقضی وجود ندارد و تناقض هنگامی رخ می‌نماید که کشیدن را به معنی کش + یدن در نظر بگیریم و نه دود کردن. این امر خود از خصوصیات بارز چستان است که هر لحظه انسان را به اشتباه

می‌اندازد. نمونهٔ دیگر این چیستان که ”چیست آن چوب که اگر دو لا شود به چاه می‌رسد، اما یک لا شود به چاه نمی‌رسد“ که پاسخ آن دست است که با تا شدن به دهان (چاه) می‌رسد یا ”چیست خودش حرام، شیرش حلال است“ که پاسخ آن زنبور عسل است. در این چیستان نیز با نوعی تناقض‌گویی روبه‌رویم:

چنه‌چنه شاخ داره قوچ نی، پر ایزنه قلا نی؟

čene čene šax dâre quč ni, par izane qelâ ni?

آن چیست که شاخ دارد، اما قوچ نیست؛ پرواز می‌کند، اما کلاغ نیست؟

مخاطب برای پی بردن به معنا و پاسخ دقیق این چیستان مجبور است ریخت هندسی آن را در ذهن خود عوض کند تا بهتر و سریع‌تر به جواب برسد.

شکل اصلی	آن چیست که شاخ دارد، اما قوچ نیست؛ پرواز می‌کند، اما کلاغ نیست؟
شکل دوم	شاخ دارد، قوچ نیست؛ پرواز می‌کند، کلاغ نیست.
شکل سوم	شاخ دارد و پرواز می‌کند. قوچ و کلاغ نیست
شکل چهارم	شاخک دارد و پرواز می‌کند. نه حیوان است، نه پرنده.
شکل پنجم	شاخک دارد و پرواز می‌کند.
نتیجه	پروانه.

ما پرسش و پاسخ این چیستان را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

$$(A + B) + (C + D) = X$$

$$\text{پروانه} = (\text{شاخ دارد} + \text{قوچ نیست}) + (\text{پرواز می‌کند} + \text{کلاغ نیست})$$

در چیستان دیگری که می‌آوریم نیز صنعت تناقض‌گویی به کار رفته است.

چنه‌چنه ریشه داره، درخت نید؛ ایبره، اره نید؛ اسپیده، قند نی؟

čene čene riše dâre deraxt ni, ibore arre ni, esbiđe qand ni?

آن چیست ریشه داره، اما درخت نیست؛ می‌برد، اما اره نیست؛ سفید است، اما قند نیست؟

شکل اصلی	آن چیست ریشه دارد، اما درخت نیست؛ می برد، اما اره نیست؛ سفید است، اما قند نیست؟
شکل دوم	ریشه دارد، درخت نیست؛ می برد، اره نیست؛ سفید است، قند نیست.
شکل سوم	ریشه دارد، می برد، سفید است. درخت، اره و قند نیست.
شکل چهارم	ریشه دارد، می برد و سفید است.
شکل پنجم	ریشه دارد، می جود، سفید است.
نتیجه	دندان.

$$(A + B) + (C + D) + (E + F) = X$$

دندان = (قند نیست + سفید است) + (اره نیست + می برد) + (درخت نیست + ریشه دارد)

البته این چیستان به صورت زیر هم آورده شده است:

چنه چنه اسبیده، برف نی؛ تیزه، چاقو نی؛ ریشه داره، درخت نی؟

čene čene esbiđe barf ni, tîzečâqu ni, riše dâre deraxt ni?

آن چیست سفید است، اما برف نیست؛ تیز است، اما چاقو نیست؛ ریشه دارد، اما درخت نیست؟

مثال دیگر از همین دست این چیستان است:

چنه چنه بلند است، چنار نیست؛ سبز است، خیار نیست؛ ترش است، انار نیست؟ (ریواس)

شکل اصلی	چیست بلند است، اما چنار نیست؛ سبز است، اما خیار نیست؛ ترش است، اما انار نیست؟
شکل دوم	بلند است، چنار نیست؛ سبز است، خیار نیست؛ ترش است، انار نیست.
شکل سوم	بلند است، سبز است و ترش است. چنار نیست، خیار نیست و انار نیست.
شکل چهارم	بلند است، سبز است، ترش است.
شکل پنجم	بلند، سبز، ترش.
نتیجه	ریواس.

$$(A + B) + (C + D) + (E + F) = X$$

ریواس = (انار نیست + ترش است) + (خیار نیست + سبز است) + (چنار نیست + بلند است)

آخرین مثال از این دست چیستان‌ها چنین است:

چنه‌چنه تخته‌سنگه، سنگ نی؛ چار پا داره، گا نی؛ تخم ایکنه، مرغ نی؟
čene čene taxte sang-e sang ni, čâr pâ dâre gâ ni, tohm ikone morq ni?
چیست آن تخته‌سنگ است، اما سنگ نیست؛ چهار پا دارد، اما گاو نیست؛ تخم می‌گذارد،
اما مرغ نیست؟ (لاک‌پشت)

این تناقض‌گویی‌ها گاه به مخاطب کمک می‌کنند تا سریع‌تر به پاسخ چیستان دست یابد، یعنی در اینجا مخاطب باید از طریق برهان خلف جواب درست چیستان (معادله چندمجهولی) را بیابد. درست مثل اینکه جهت درست رفتن را به کسی نشان دهیم و بگوییم: ”شمال نیست، مغرب نیست، جنوب هم نیست.“ بنابراین، مخاطب پی می‌برد که پاسخ درست مشرق است. از طرف دیگر، وقتی طراح چیستان مثلاً به شکل ریاضیات می‌گوید $A=B$ و $A=C$ این مخاطب است که باید نتیجه بگیرد $B=C$.

گاه در بسیاری از چیستان‌ها می‌توان قوافی بجا و مناسبی را شنید که بر بار موسیقایی کلام افزوده است. از این نوع چیستان‌ها فراوان است و به یقین می‌توان گفت که وجود همین قوافی باعث مانایی چیستان در ذهن و حافظه مردم شده است. به چند نمونه اشاره می‌کنم:

چنه‌چنه یه چنگه، صداس پر تنگه؟
čene čene ye čange, sođâs por-e tange?
آن چیست به اندازه یک چنگ (دست) است، اما صدایش در تمام دره می‌پیچد؟ (خروس)

ترکه تر، ور گر، ار زهله داری بیو بگذر!
tarke tar, vor gar, ar zahle dâri biaw bogđar!
ترکه تر است، زیر صخره، اگر جرأت داری بیا بگذر! (مار)

قوافی تر، گر و بگذر و همچنین موسیقی حاصل از واج‌آرایی حرف ر در واژه‌های ور، گر، ار و گذر قابل توجه است. در این چیستان هم تکرار یک حرف قافیه زیبایی ایجاد کرده است:

چنه‌چنه قطی قطی صنم قطی، صد تا قطی من یه قطی؟
čene čene qoti qoti sanam qoti, sa tâ qoti min ye qoti?

آن چیست قوطی در قوطی، صنم قوطی، صد قوطی در یک قوطی؟

برای این چیستان دو جواب، یکی انار و دیگری پیاز، در نظر گرفته‌اند.

گاه به چیستان‌هایی برمی‌خوریم که به گونه‌های متفاوت طرح می‌شوند، اما جواب یکسانی دارند. این نشان می‌دهد که طراحان چیستان‌ها با ذهن خلاق خود برای سوژه چیستان تشبیهات و کنایات متفاوتی یافته و به توصیف آن نشسته‌اند. برای روشن‌تر شدن این نکته چهار چیستان متفاوت با پاسخ مشترک انار ذکر کردنی است.

۱. چنه‌چنه تا سرس نبری خینس نیدرا؟

čene čene tâ sar-es nabori, xin-es niderâ?

آن چیست تا سرش نبری، خونش در نمی‌آید؟

۲. چنه‌چنه چهل مرواری مین یه قوطی؟

čene čene č el tâ morvâri mi ye qoti?

آن چیست چهل مروارید در یک قوطی؟

۳. چنه‌چنه اشگفت تنگ و باریک، پرس موری سر باریک؟

čene čene ešgaft-e tang-o bârik, por-es muri sar bârik?

آن چیست اشگفت تنگ و باریک، پر از مورچه‌های سرباریک؟

۴. چنه‌چنه قوطی صنم قوطی، صد تا قوطی من یه قوطی؟

čene čene qoti qoti, sanam qoti, sad tâ qoti men ye qoti?

آن چیست قوطی در قوطی، صنم قوطی، صد قوطی در یک قوطی؟

در هر یک از چیستان‌های فوق رمزها و نشانه‌هایی داده شده است.

جمله	رمزها و نشانه‌ها	تشبیهات و کنایات	رمز دریافتی
۱	سر بریدن / جاری شدن خون	بریدن پوست / جاری شدن آب میوه	انار
۲	مروارید در قوطی	دانه انار در پوست	انار
۳	مورچه‌های سرباریک / در غار تاریک و باریک	دانه‌های انار / در پوسته و پرده‌های آن	انار
۴	قوطی قوطی / صد قوطی در یک قوطی	دانه‌دانه و پرده‌پرده / صد دانه در یک پوست	انار

همچنین چیستان‌های زیر برای تخم‌مرغ طرح شده‌اند:

۱. چنه‌چنه از بدر یه رنگه، ا داخل دو رنگه؟
čene čene a bedar ye range, a dâxel do range?
چیست از بیرون یک رنگ دارد، از برون دو رنگ؟
۲. ا شیشه م شیشه، دو رنگ روغن م شیشه؟
čene čene a šîše mašîše, do rouqan men ye šîše?
شیشه هست و شیشه نیست، دو رنگ روغن در یک شیشه؟
۳. هشیشه و مشیشه، دو تا دوا من یه شیشه؟
hašîše -o mašîše do tâ davâ men ye šîše?
آن چیست شیشه هست و شیشه نیست، دو دارو در یک شیشه؟
۴. چنه‌چنه دیفار سفیدکاری، وسطس طلاکاری؟
čene čene dîfâr sfîd-kâri, vasate-es telâ-kâri?
آن چیست دیوار سفید، وسطش طلاکاری؟
۵. چنه‌چنه جومه گر پادشاه، درز نداره؟
čene čene joume kor šâ, darz nedâre?
آن چیست پیراهن پسر پادشاه، درز ندارد؟

رمز دریافتی	تشبیهات و کنایات	رمزها و نشانه‌ها	جمله
تخم‌مرغ	از بیرون سفید / از درون زردرنگ است	از بیرون یک رنگ دارد / از درون رنگی دیگر	۱
تخم‌مرغ	پرده و پوسته / سفیده و زرده درون پرده	شیشه هست و نیست / دو رنگ در یک شیشه	۲
تخم‌مرغ	پرده و پوسته / سفیده و زرده در پوسته	شیشه هست و نیست / دو دارو در یک شیشه	۳
تخم مرغ	پوسته / زرده	دیوار سفیدرنگ / میانه‌اش طلاکاری	۴
تخم مرغ	پوسته / بی‌درز	پیراهن پسر شاه / بی‌درز	۵

در مثال‌های زیر توصیفات متفاوتی در قالب پرسش مطرح شده‌اند که همه آنها در نهایت به جواب مشترک (پیاز) ختم می‌شوند.

۱. چنه چنه قطی قطی، صد تا قطی مین به قطی؟

čene čene qoti qoti, sa tâ qoti mi ye qoti?

آن چیست قوطی قوطی، صد قوطی در یک قوطی؟

۲. چنه چنه چند تا قلعه مین به قلعه؟

čene čene čan tâ qa'le min ye qa'le?

آن چیست چند تا قلعه در یک قلعه؟

۳. چنه چنه که پشت که، که پشت که، که پشت که؟

čene čene ko pošde ko, ko pošde ko, ko pošde ko?

آن چیست کوه در پشت کوه، کوه در پشت کوه، کوه در پشت کوه؟

۴. گنبذی داریم بی در، حلقه حلقه به دور هم؟

gonbazi dâr-im bi dar, halge halge be dewre ham?

گنبذی بدون در داریم، حلقه حلقه پیچیده به دور هم؟

۵. چنه چنه خوت سرس ایبری، خوت هم ایگروی سبسی؟

čene čene xot sar-es ibor-i, xotam igirv-i sis?

آن چیست خوت سرش را می بری، خوت هم برایش می گری؟

این مدل را به صورت کلی می توان برای همه چستانها پیشنهاد کرد که هر چستان دارای رمزها و نشانههایی است. که گوینده در اختیار مخاطب قرار می دهد. ذهن مخاطب باید این رمزها و نشانهها را تحلیل کند تا در ورای آنها به رمز اصلی دست یابد. در واقع، مخاطب در مرحله اول برای رمزها و نشانهها معادل های لازم را می سازد و در نهایت با قرار دادن این رمزها در کنار هم به جواب چستان پی می برد.

$Aa + Bb + Cc + \dots \rightarrow X$

در اینجا A, B, C و هر کدام رمز یا نشانه ای هستند که گوینده در اختیار مخاطب قرار می دهد. هر کدام از این نشانهها در دل خود کنایه و ابهامی (a, b, c) دارد که باید مخاطب آن را تحلیل کند. با توجه به معنی این دادهها، مخاطب در نهایت به X، که جواب چستان است، می رسد. در اینجا ذهن خلاق و جست و جوگر انسان با روی آوردن به نوعی سیستم جایگزینی و تبدیل تصاویر ذهنی به تصاویر عینی پاسخ را مجسم می کند.

چیستان‌ها مانند اشعار شفاهی بین مردم از سرزمینی به سرزمینی دیگر می‌روند و با ورود به سرزمین تازه، رنگ و بوی تازه‌ای به خود می‌گیرند و منطبق با زبان و گویش رایج در محیط تغییر می‌کنند. برای نمونه، صورت‌های متفاوت چیستانی را در زیر می‌آوریم که از استان‌های متفاوت با گویش‌های متفاوت به دست آمده‌اند، اما همه پاسخ واحدی (آسیای دستی) دارند.

الف. بختیاری:

روز ایگرده گردلی، به شوم ایگرده گردلی، مندهبی نداره گردلی؟
čene čene be rouz igarde gerdeli, be šoum igarde gerdeli, mande
nnivuhe gerdei?

شب می‌گردد دایره، روز می‌گردد دایره، خسته نمی‌شود دایره.

ب. خراسانی:

عجایب صنعتی دیدم در این دش / که می‌غرید و می‌نالید و می‌گش.
ajâ'yeb son'ati did-om darin daš / ke miqorid-o'
minâlîd-o migaš.

عجایب صنعتی دیدم در این دشت / که می‌غرید و می‌نالید و می‌گشت.
ج. گیلانی [بجاربنه]:

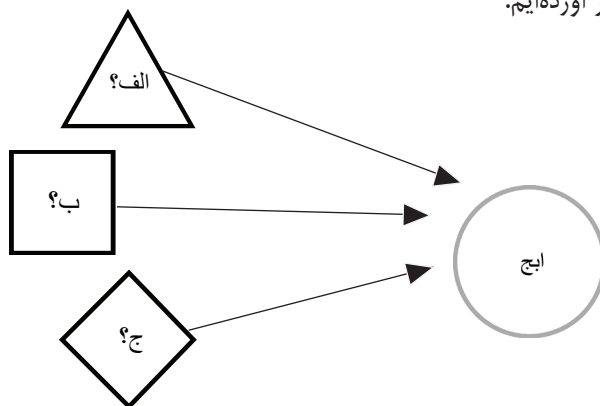
کوچی کو سر ورف وارتونتون.

kouči ku sara varf vare tuntun.

بر سر هر کوه کوچک، تندتند برف می‌بارد.

به یقین می‌توان از اقصا نقاط ایران چیستان‌هایی یافت که با شکل‌های متفاوت، پرسش‌های متفاوتی را طرح می‌کنند و در نهایت به یک پاسخ مشترک ختم می‌شوند. با توجه به مثال‌های آسیای دستی این نتایج حاصل می‌شود: چیستان الف دایره‌ای است که شب و روز می‌گردد، اما خسته نمی‌شود. تکرار کلمات می‌گردد دایره، تداوم و خستگی را به ذهن می‌آورد؛ خستگی بر اثر کار طاقت‌فرسای آسیا و گردش مداوم آن. چیستان ب در نوع خود تازه و بدیع است. صدایی که بر اثر چرخش و به هم ساییدن سنگ‌های آسیا بر می‌خیزد بی‌شبهت به غریدن نیست. از طرف دیگر، غریدن و نالیدن از دست چرخ روزگار و در اینجا چرخ آسیا قابل تعمق است. علاوه بر این چیستان وزن و قافیه‌ای دارد که آن را آهنگین کرده است. در چیستان ج، بر سر هر کوه کوچک تندتند برف می‌بارد. این تصویر بی‌شبهت به هایکوه‌های ژاپنی نیست. تشبیه زیبای سنگ‌های آسیا به کوه و آردی که از کناره‌های سنگ‌ها پایین می‌ریزد به برف بسیار بجا و زیبا است. نتیجه

آن که هر سه چیستان با شکل‌های متفاوت به یک جواب مشترک می‌رسند. این نکته را در شکل زیر آورده‌ایم.



شکل ۴

سه شکل پرسش متفاوت از چیستان در نهایت به یک شکل پاسخ تبدیل می‌شوند. طرح چیستان به شکل‌های گوناگون در یک قوم نیز ممکن است اتفاق بیفتد. مانند چیستان زیر که یک جواب دارد (پستان گاو هنگام دوشیدن شیر در ظرف) که به سه شکل متفاوت مطرح شده است:

۱. چنه‌چنه چار گوو برد ایونن من یه چه؟
čene čene čâr geu bard ivan-en min ye ča?
آن چیست چهار برادرند که در چاهی سنگ می‌اندازند؟
۲. چار تا گگو کلا کتو وا یک ایکنن بنگ و بوو؟
čâr tâ gegu kolâ keu vâ yak ikon-en bang-e beu?
چهار برادرند که با هم گریه و زاری می‌کنند؟
۳. چار گگو کلاه کتو، هر چی ایدونن به هم نیرسن.
čâr geu kolâ ke'u, har çi ideun-en be ham niras-en.
چهار برادر با کلاه کبود، هر چه می‌دوند به هم نمی‌رسند.

ارزش زبان شناختی چیستان‌ها

شک نیست که ادبیات شفاهی مشتمل بر ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، زبانزدها، متل‌ها، ترانه‌ها و لالایی‌ها هر کدام از حیث زبان‌شناسی بسیار حائز اهمیت‌اند. در زمانی که بسیاری از زبان‌های در سراسر جهان در خطر فراموشی و نابودی کامل‌اند، جمع‌آوری ادبیات شفاهی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بسیاری از واژه‌های فراموش‌شده را می‌توان هنوز از دل چیستان‌ها بیرون آورد و ترویج کرد. مثال‌های زیر نشان می‌دهند که هنوز چیستان‌ها مانند تسبیحی واژه‌ها را به بند کرده و از خطر فراموشی حفظ کرده‌اند؛ واژه‌هایی که با آمدن ماشین و مدرنیته کارایی خود را از دست داده‌اند. اولین واژه تاپو (tâpu) به معنی انبار گلی برای نگهداری آرد و غلات است که پیش از این در هر خانه‌ای یافت می‌شد و اکنون به دست فراموشی سپرده شده است.

تاپویی داریم پرس انار / ار زهلت هد یکیس درار.

tâpuî dâr-im por-es enâr / ar zahł-at heđ yek-is derâr.

تاپویی داریم پر از انار / اگر جرأت داری یکی‌اش را نگه دار (زغال افروخته در منقل آتش).

در چیستانی مشابه از مناطق دیگر بختیاری به جای واژه تاپو، تنیر (tenîr) به معنی تنور آمده است. واژه تنور نیز همان حکایت را دارد و فرهنگ آن سال‌ها پیش از بین رفته است.

مشکل بررسی و تنظیم چیستان‌ها

جمع‌آوری چیستان‌ها کار مهم و ارزشمندی است، اما اگر به شکل علمی صورت نپذیرد، محقق در بررسی و تحلیل نهایی با مشکل مواجه خواهد شد. یکی از مشکلات مهم بررسی ادبیات شفاهی در ایران نبود طبقه‌بندی درست است. باید به هر چیستان شناسنامه‌ای داده شود که در آن تاریخ، محل دقیق جمع‌آوری، نام، سن و جنس راوی درج شود. در خصوص ترتیب آوردن چیستان‌ها نیز گاه آنها را بر اساس حروف الفبا می‌نویسند. مشکل این تقسیم‌بندی هنگامی رخ می‌نماید که چیستانی چند گونه روایت شود و هر کسی بنا به سلیقه خود چیستان را به شکلی متفاوت بیان کند. در این صورت، ترتیب نوشتن چیستان‌ها بر اساس حروف الفبا کمکی نخواهد کرد. راه دیگر ترتیب موضوعی چیستان‌هاست. این شیوه هرچند مشکلات خاصی دارد، از ترتیب الفبایی بهتر است، به شرطی که همه واژگان اصلی مجموعه آورده شود.

چیستان‌های متفاوت

برخی از چیستان‌های عامیانه برای کودکان جواب خاصی ندارند و فقط برای متمرکز کردن فکر کودکان بر پرسش‌ها مطرح می‌شوند و اگر شنونده با دقت به سوال راوی گوش کند، می‌فهمد که

در طرح سوال اشکالی وجود دارد. مثلاً "اگر خروس درست روی خط مرزی ایران و عراق تخم بگذارد، تخم حاصل سهم کدام کشور است؟" و کودک باهوش می‌گوید خروس اصلاً تخم‌گذار نیست. یا "اگر پنج گنجشک بر درختی نشسته باشد و کسی به طرف آنها سنگی پرتاب کند و یکی از آنها را از درخت بر زمین بیندازد، چند گنجشک دیگر بر درخت باقی خواهد ماند؟" جواب چیستان این است که هیچ گنجشکی باقی نمی‌ماند، چون بقیه می‌پرنند. یا این چیستان که "چهار بر زمین، دو بر هوا ای خر بزه" یعنی چیست آن که چهار دست و پا بر زمین دارد و دو شاخ بر هوا؟ ای آدم خر، جواب چیستان بز است یا مثلاً "آن چیست که خدا نیافرید؟" که در واقع سوال این نیست که چه را خدا نه آفرید، بلکه این چیستان نوعی بازی با کلمات است و به سادگی باید گفت که خدا نی‌آفرید و جواب در حقیقت همین است.

در این نوع چیستان‌ها جواب در سوال گنجانده شده و فقط برای سرگرمی و آزمودن هوش گفته می‌شوند.

چند چیستان

در پایان چند چیستان نمونه از چیستان‌های بختیاری را ذکر می‌کنم که از مردم منطقه میزدج استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۴ جمع‌آوری کرده‌ام.

۱. چنه‌چنه نه دس داره نه پا، خور ایبره همه‌جا.

čene čene na das dâre na pâ, xavar ibare hame jâ.

آن چیست نه دست دارد نه پا، خبر می‌برد به همه‌جا (نامه).

۲. چنه‌چنه دس داره، پا نداره؛ اشگم درده، جون نداره؟

čene čene das dâre pâ nedâre, ešgam derde jun nedare?

آن چیست دست دارد، ولی پا ندارد؛ شکمش پاره است و جان ندارد؟ (کت)

۴. چنه‌چنه دو بازیکن داره، یه داور، دوازده تماشاگر؟

čene čene do bâzikon dâre, ye dâva, vouâzda tamâšaar?

آن چیست دو بازیکن دارد، یک داور، دوازده تماشاگر؟ (ساعت)

۵. چنه‌چنه شیش پا و دو سم داره، میون گرده دم داره؟

čene čene šiš pâ-vo do som dâre, mîoune gorde dom dâre?

آن چیست که شش پا و دو سم دارد و در میان کمرش دم دارد؟ (ترازو)

ع. چنه‌چنه کتس سوز، پیرنس سهر، دیمه‌هاس سیاه.

čene čene kot-es sewz, pîran-es sohr, doymâhâs sîâ?
 آن چیست که کتش سبز است، پیراهنش قرمز و دکمه‌هایش سیاه؟ (هندوانه)

۷. چنه‌چنه چار پا داره، دو دس به کمر، یه قالا به سر.

čene čene čâr pâ dâre, do das be kamar, ye qelâ be sar?

آن چیست چهار پا دارد، دو دست به کمر، یک کلاغ بر سر (سماور).

۸. چنه‌چنه گردن داره، سر نداره؛ دست داره، پا نداره؟

čene čene gardan dâre sar neðâre, das dâre pâ neðâre?

آن چیست گردن دارد، ولی سر ندارد؛ دست دارد، ولی پا ندارد؟ (آفتابه)

۹. بنیر سر خدانه، جونور هشت دست و پا، پوز طلانه.

beniear serr-e xoðâne, junevar haš dasd-o pâ, poztelâne.

نگاه کن سرّ خدا را، آن جانور هشت دست و پا با پوزه‌ی طلایی را (خرچنگ).

۱۰. چنه‌چنه سرس بسته، دهونس بسته، پرس برنج آلیکوهی؟

čene čene sar-es basde, duhun-es basde, por-es berenj-e âlekuhi?

آن چیست سرش بسته، دهانش بسته، پر از برنج آلیکوه؟ (خشخاش)

ماهیت		تصاویر و کنایات پرسش					
پاسخ	پرسش	پاسخ	د	ج	ب	الف	شماره
حیوان	شیء	مار	-	خطرناک	زیر سنگ	ترکه	۱
شیء	جاندار	نامه	-	خبرچین	بی‌پا	بی‌دست	۲
شیء	جاندار	کت	بی‌جان	شکم‌پاره	بی‌پا	دست دارد	۳
شیء	انسان	ساعت	-	دوازده تماشاگر	یک داور	دو بازیکن	۴
شیء	حیوان	ترازو	-	یک دم	دو سم	شش پا	۵
میوه	انسان	هندوانه	-	دکمه‌ها سیاه	پیراهن سرخ	کت سبز	۶
شیء	انسان	سماور	-	کلاغی بر سر	دو دست بر کمر	پا دارد	۷
شیء	جاندار	آفتابه	بی‌پا	دست دارد	بدون سر	گردن دارد	۸
حیوان	حیوان	خرچنگ	پوزه‌ی طلا	هشت دست و پا	جانور	سرّ خدا	۹
شیء	جاندار	خشخاش	-	پر از برنج	دهان بسته	سر بسته	۱۰